



The Quran in the Religious Cognitive System and Islamic Knowledge

Javad Pourrostaee

Researcher and Author in Islamic Studies.

Email: pourroustaee@gmail.com



Citation

pourroustaee,J. (2025). The Quran in the Religious Cognitive System and Islamic Knowledge. (e735258). *Quranic Studies*, 5(15), e735258 doi: 10.22034/qs.2025.735258

10.22034/qs.2025.735258

Type of Article: Research Article

Received: 2025/11/27

Accepted: 2026/01/20

Revised: 2025/12/26

Publish Online: 2026/04/26

Abstract

The esteemed position of the Quran among Muslims has profoundly influenced their intellectual and scientific systems; consequently, any understanding of the intellectual and scientific framework of Muslims is contingent upon and dependent on an understanding of the Quran. Conversely, numerous narratives exist concerning the Quran and its destiny, and its content is remarkably diverse. As a result, uncovering and analyzing the Quran's position within the cognitive and scientific system of Muslims presents a unique complexity. This article, through inductive analysis of Quranic verses, a literature review of Islamic scholarly works, and an examination of the statements of both Islamic and non-Islamic scholars regarding the Quran, seeks to present a clear picture of the Quran's position across various dimensions. The research findings indicate that, from an Islamic perspective, the Quran is a divine, immutable, and unparalleled heavenly book. This book is revered by all Muslims at all levels and is considered the origin and source of all Islamic sciences. The Quran is comparable to other divine scriptures, yet superior to them, and is respected by many non-Muslims. While some non-Muslim scholars have presented critiques of the Quran, Islamic thinkers do not consider these critiques to be valid. In conclusion, the Quran occupies a central position within the cognitive and knowledge system of Muslims, and this system loses its true essence without the Quran.

Keywords

Quran, Islamic Sciences, Humanities, Quranic Authority, Islamic Thought.





قرآن در نظام معرفتی دینی و دانش های اسلامی



جواد پورروستایی

محقق و نویسنده علوم اسلامی.

Email: pourroustae@gmail.com



استناد به این مقاله:

پورروستایی، جواد. (۱۴۰۴). قرآن در نظام معرفتی دینی و دانش های اسلامی. قرآن پژوهی، (۱۵)۵، ۷۳۵۲۵۸۷. doi: ۷۳۵۲۵۸۷.۱۰/۲۲۰۳۴/qs.۲۰۲۵/۷۳۵۲۵۸۷



10.22034/qs.2025.735258

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۵
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۲/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

جایگاه والای قرآن نزد مسلمانان باعث شده است که آنان در نظام فکری و علمی خویش، کاملاً متأثر از قرآن بوده است؛ بنابراین، هرگونه شناخت از نظام فکری و علمی مسلمانان، منوط و وابسته به شناخت قرآن است. از طرف دیگر، داستانها در مورد قرآن و سرنوشت آن فراوان است و محتوای آن نیز بسیار متنوع می باشد. در نتیجه، کشف و تحلیل جایگاه قرآن در نظام معرفتی و علمی مسلمانان پیچیدگی خاصی پیدا کرده است. این مقاله با استقرای آیات قرآن، مطالعه کتابخانه ای آثار علمی مسلمانان و نیز سخنان دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی پیرامون قرآن، تلاش کرده است تصویری روشن از جایگاه قرآن در ابعاد مختلف عرضه بدارد. نتایج پژوهش نشان می دهد قرآن مجید از نگاه اسلامی، کتابی آسمانی، الهی، تغییر نایافته، و مانند ناپذیر است؛ این کتاب، مورد تقدیس همه مسلمانان در تمامی سطوح بوده و سرمنشأ و آبشخور همه علوم اسلامی تلقی می شود. قرآن با دیگر کتب آسمانی، همسنگ و ولی برتر از آنها می باشد و مورد احترام بسیاری از غیر مسلمانان قرار گرفته است. گرچه این کتاب از سوی برخی غیر مسلمانان با نقدهایی مواجه بوده، اما اندیشمندان اسلامی، این نقدها را وارد نمی دانند. نتیجه آنکه قرآن مجید، در کانون نظام معرفتی و دانشی مسلمانان حضور داشته و این نظام بدون قرآن حقیقت خویش را از دست می دهد.

واژگان کلیدی

قرآن، علوم اسلامی، علوم انسانی، مرجعیت قرآن، اندیشه اسلامی



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

مقدمه

قرآن کریم کتاب مقدس مسلمانان بوده و تأثیر فراوانی در نظام فکری و علمی آنان ایفا کرده است. از طرف دیگر، محتوای قرآن بسیار متنوع بوده و در تمامی عرصه‌های شناختی و عملی و علمی، حضوری تأثیر گذار دارد. بنابراین به عنوان مقدمه شناخت اسلام و مسلمانی، باید به سراغ قرآن رفت و تحلیلی جامع از چگونگی به وجود آمدن و جایگاه یافتن آن در کالبد جهان اسلام پرداخت. این شناخت، اصول کلی را نمایان خواهد ساخت تا کل جهان اسلام، در عرصه‌های مختلف زیستی و علمی و رفتاری قابل فهم شده و ارتباطات میان آنها کشف گردد. حتی مخالفان و منتقدان اسلام نیز بر پایه میزان شناختشان از قرآن، قابل محک بوده و روایی مطالبشان سنجش می‌گردد؛ لذا در این مقاله تلاش می‌کوشد تا با تکیه بر تحلیل متنی قرآن و استقرار حضور قرآن در عرصه‌های مختلف دینی، و نیز داده‌های موجود در آثار علمی اسلامی و غیراسلامی مرتبط با قرآن، تصویری دقیق، همه جانبه، و در عین حال فشرده از قرآن ارائه نماید که از یک سو بر مبنای منابع معتبر استوار است و از سوی دیگر می‌تواند در سطح مبانی، به پروژه علوم اجتماعی اسلامی مدد رساند.

۱. پیشینه

پیشینه قرآن‌شناسی گذشته از خود قرآن (قدر: ۱/ تکویر: ۱۹/ اسراء: ۸۲ و...) به روایات بازمی‌گردد (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۵۹۶-۶۳۴)؛ قرآن‌شناسی در دیباچه برخی تفاسیر؛ مانند جامع البیان فی تفسیر القرآن، الجامع لاحکام القرآن، البیان فی تفسیر القرآن، المیزان فی تفسیر القرآن و... آمده است؛ افزون بر این در کتاب‌های علوم قرآنی، همچون البرهان فی علوم القرآن، الإقتان فی علوم القرآن و التمهید فی علوم القرآن مطالب متنوع قرآن‌شناسی بیان شده است. دانشنامه‌ها و دوائر المعارف‌های متعددی در جهان اسلام و خارج از آن نیز به همین مسئله پرداخته است. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دوائر المعارف قرآن کریم مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، دوائر المعارف قرآن لایدن و دوائر المعارف راتلج از این دسته اند.

۲. هویت قرآن کریم

نخستین گام در شناخت یک پدیده تحلیل شخصیت و هویت آن است؛ لذا در آغاز به بررسی چستی قرآن خواهیم پرداخت.

۲-۱. واژه‌شناسی

از نگاه برخی قرآن پژوهان، قرآن را معنای گردآمدن دانسته‌اند؛ زیرا قصص و احکام کتاب‌های آسمانی گذشته را در خود گرد آورده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۷۹/ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹)؛ برخی دیگر آن را به معنای تلاوت و خواندن می‌دانند. (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۷۸/سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۴).

این واژه نخستین بار در آیه ۴ سوره مزمل، سومین سوره نازل شده، آمده است؛ در دو مورد، واژه قرآن به ضمیر افزوده شده و به معنای قرائت و خواندن است (قیامت: ۱۸-۱۷)؛ دو بار نیز در یک آیه با تعبیر «قُرْآنَ الْفَجْرِ» به کار رفته است (اسراء: ۷۸) که برخی آن را به معنای مصدري (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۸۶)، برخی دیگر، کنایه از نماز صبح (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۹۴/طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۶۷۰/قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ص ۳۰۵) و برخی به معنای اسم خاص قرآن دانسته‌اند (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۳۰)؛ در شانزده مورد باقیمانده که واژه قرآن بدون «الف و لام» به کار رفته، به معنای کتاب آسمانی و وحی خاص به پیامبر اکرم ﷺ است؛ همچنین در آیات گوناگون، با نام‌ها و اوصاف بسیاری از قرآن یاد شده است (ر.ک: فاکر و خدری، ۱۳۹۹، ص ۱۳). واژه قرآن بر یک کلمه، آیه، دسته‌ای از آیات و همه قرآن اطلاق شده است (زرقانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۵).

۲-۲. پیدایش تدریجی قرآن

برابر دیدگاه مشهور در ۲۳ سال دوره رسالت یا ۲۰ سال، از سال سوم بعثت تا هنگام رحلت رسول خدا ﷺ بوده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۶/طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۸۵) که به تناسب رویدادها و نیازهای روز نازل می‌شد (نکونام، ۱۳۹۹، ص ۱۹۸).

نزول تدریجی قرآن و همسانی با زبان رایج در مکان و عصر نزول (یوسف: ۲-۱ / ابراهیم: ۴)، به معنای تأثیرپذیری محتوای قرآن از فرهنگ زمانه نیست؛ همچنان که فروفرستادن تدریجی قرآن، به ناهماهنگی نظام‌وارگی میان واژگان، آیات و سوره‌های قرآن نینجامیده و گسستگی و آشفتگی در اجزای آن پدید نیامده است (خرقانی، ۱۳۹۹، ص ۲۸۶)؛ چنان که یکی از شواهد اعجاز قرآن، ناسازگار نبودن مضامین آن است (نساء: ۸۲)؛ چراکه با وجود نزول قرآن در طی بیست سال و در موقعیت‌های کاملاً ناهمگون، نظام‌مند بودن معارف قرآن و هماهنگی میان آموزه‌های آن را به روشنی می‌توان دریافت (خرقانی، ۱۳۹۹، ص ۳۱۶). علاوه بر نزول تدریجی قرآن، برخی قائل به نزول دیگری از قرآن به شکل دفعی (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۵۲) هستند و البته برخی نیز آن را زیر سال می‌برند (مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۲۳ / معرفت، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

۲-۳. واسطه نزول قرآن

قرآن، جبرئیل را فرشته واسطه نزول وحی از سوی خدا بر پیامبر اکرم ﷺ دانسته (بقره: ۹۷-۹۸) و از او با تعبیری چون پیک (رسول) گرامی (حاقه: ۴۰ / تکویر: ۱۹)، دارای قدرت فوق‌العاده و مورد اعتماد (ر.ک: نجم: ۵ و ۱۷ / تکویر: ۲۰ و ۲۳) یاد می‌کند. در اینکه آیا همه قرآن با واسطه جبرئیل فرو فرستاده شده یا اینکه بخشی از آن به صورت مستقیم از سوی خدا بر پیامبر ﷺ نازل شده، میان دانشمندان علوم قرآن اختلاف است؛ اگرچه ظاهر برخی از آیات، دیدگاه دوم را تأیید می‌کند (ر.ک: شوری: ۵۱).

۲-۴. دریافت‌کننده قرآن

از حضرت محمد صبارها با تعبیر «الرسول» یاد شده است (بقره: ۲۸۵ / نساء: ۶۱ و ۱۱۵ / مانده: ۴۱ و ۶۷). آیات بسیاری به تبیین نسبت پیامبر ﷺ با قرآن پرداخته که نشان می‌دهد هم لفظ و هم معنای قرآن، وحی الهی است (ر.ک: شعراء: ۱۹۲ و ۱۹۵ / یونس: ۱۵ / قیامت: ۱۸-۱۷). در آیات قرآن، از این کتاب آسمانی به نام‌های «کلام‌الله» (توبه: ۶) و «کتاب‌الله» (بقره:

۱۰۱/آل عمران: ۲۳/توبه: ۳۶) یاد شده است، ولی در هیچ آیه‌ای از آن به «کلام الرسول» یا «کلام النبی» یا «کلام محمد» ﷺ یاد نشده است. یکی از ویژگی‌های پیامبر ﷺ در قرآن، «اُمّی» بودن ذکر شده است؛ یعنی کسی که قادر به خواندن و نوشتن نبوده است (اعراف: ۱۵۷-۱۵۸)؛ در آیه‌های بسیاری از قرآن به روشنی آمده است که قرآن از سوی خداوند بر پیامبر ﷺ فرو فرستاده شده (بقره: ۹۹/آل عمران: ۳/نساء: ۱۱۳/نمل: ۶/مزل: ۵)، خداوند آن را به گونه متنی به زبان عربی نازل کرده (شعراء: ۱۹۵/فصلت: ۴۴/زخرف: ۳) و پیامبر گرامی ﷺ عهده‌دار ابلاغ پیام الهی به مردم است (مائده: ۶۷/نور: ۵۴).

قرآن وظیفه پیامبر ﷺ را افزون بر تعلیم (آل عمران: ۱۶۴/جمعه: ۲)، تبیین مجملات وحی می‌داند (نحل: ۴۴ و ۶۴).

۲-۵. زبان قرآن

قرآن به زبان عربی نازل شده است (رعد: ۳۷/طه: ۱۱۳/شوری: ۷)؛ هرچند واژگان غیرعربی - که در میان اعراب رواج یافته بود - در آن یافت می‌شود (همایی، ۱۳۹۹، ص ۴۰۶). قرآن در فصاحت و بلاغت متن، سرآمد و معجزه است (مؤدب، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶). یکی از مباحث مرتبط با واژگان قرآن، چنان‌که در روایات آمده، نزول قرآن بر «هفت حرف» است. درباره درستی و اعتبار این روایات و نیز تفسیر آن، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۲۰). برخی آن را به اجازه در تغییر کلمات، یا شیوه ادای آنها یا لهجه‌های گوناگون تفسیر کرده‌اند. گروهی دیگر آن را به گوناگونی معانی واژگان قرآن بازگشت داده‌اند (همان، ص ۲۱۲). برخی از بزرگان شیعه با استناد به حدیث امام صادق (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۳۰)، قرآن را بر حرف واحد دانسته و روایات سبعة أحرف به معنای اجازه اختلاف در قرائات را نپذیرفته‌اند.

۳. اصالت قرآن

به باور مسلمانان، نسخه‌های فعلی از قرآن، کاملاً مطابق با آن چیزی است که در زمان حیات پیامبر ص، وجود داشته است و برای آن دلایلی می‌آورند.

۳-۱. حفظ و کتابت قرآن

متن قرآن‌های کنونی، به تواتر از حافظان و کاتبان به ما رسیده است. نام بیش از ۱۴۰ نفر به‌عنوان حافظان وحی در دوران رسول اکرم ﷺ ثبت شده است (مظلومی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۶-۳۷)؛ تعداد زیادی نیز آیات را به‌صورت مکتوب ثبت می‌کردند (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۸۷-۲۸۸) که در این میان برخی به‌عنوان کاتب رسمی وحی شناخته می‌شدند (همان). مصاحف صحابه اختلافاتی در ساختار بینا سوره‌ای و نه درون سوره‌ای داشتند (ر.ک: کریمیان، ۱۳۹۹، ص ۳۲۱)، اما پس از یکسان‌سازی مصاحف در دوره عثمان، این اختلافات برچیده شد، اما به دلیل برخی ویژگی‌های مصحف رسمی و پاره‌ای از اجتهادها، روش‌های گوناگون خواندن مرسوم شد که پیدایش قرائت‌های گوناگون را در پی داشت (ر.ک: لسانی فشارکی، ۱۳۹۹، ص ۴۵۴)؛ باوجوداین، نسخه موجود و معتبر میان عموم مسلمانان - چه شیعه و چه سنی - کاملاً یکسان بوده و کمترین تفاوتی در آن دیده نمی‌شود.

۳-۲. هم‌آوردن‌پذیری قرآن

تکذیب گران قرآن در دوران نزول، ادعا می‌کردند که این کتاب سخنی بشری بوده (مدثر: ۲۵) و آنها هم اگر بخواهند می‌توانند همانند آن را بیاورند (انفال: ۳۱). یکی از پاسخ‌های قرآن به این ادعا، هم‌آوردن‌طلبی (تحدی) بود؛ چنان‌که در آیات قرآن، گاه به مثل قرآن (اسراء: ۸۸)، گاه به آوردن سخنی همچون قرآن (طور: ۳۴) و گاه به آوردن ده سوره (هود: ۱۳) یا یک سوره (بقره: ۲۳/ یونس: ۳۸) تحدی شده است. از مخاطب قراردادن جن و انس در تحدی (اسراء: ۸۸) می‌توان دریافت که ناتوانی در آوردن مانند قرآن از نظر لفظ و محتوا برای همه انسان‌ها، اعراب و غیراعراب را دربرمی‌گیرد. در کتاب‌های تاریخ و علوم قرآنی، نام افرادی را می‌توان دید که درصدد همانندآوری برآمده‌اند، ولی خود با بررسی قرآن به عجز خویش پی برده یا با آوردن چیزهایی، موجبات رسوایی خویش را فراهم آورده‌اند (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۲۷-۲۶۱).

۳-۳. تحریف‌ناپذیری قرآن

به باور مسلمانان، قرآن از هرگونه تغییر و حذف و اضافه متنی در امان مانده است (صدوق، ۱۴۰۴، ص ۸۴)؛ این اعتقاد، به تصریح قرآن (حجر: ۹/ فصلت: ۴۱-۴۲)، شواهد روایی از جمله حدیث ثقلین (احمدبن حنبل، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۴/ صدوق، ۱۴۱۷، ص ۵۰) و روایاتی که قرآن را معیار ارزیابی و درستی احادیث قرار داده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۹-۷۱) و نیز تواتر نقل متن قرآن در طول تاریخ تاکنون (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۲، ص ۴۴۷-۴۴۹) مستند است؛ همچنان‌که دانشوران بزرگ شیعه از آغاز تاکنون بر دور ماندن قرآن از هرگونه تحریف به حذف یا اضافه تصریح کرده‌اند (صدوق، ۱۴۱۴، ص ۸۳/ ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۰۴-۱۳۳/ خمینی، ۱۳۷۳، ص ۲۴۲-۲۴۷).

۴. جایگاه قرآن در اندیشه اسلامی

در اندیشه اسلامی، قرآن بالاترین جایگاه را دارد و این مسئله در تمامی منابع اسلامی قابل رصد است.

۴-۱. قرآن از نگاه قرآن

قرآن خویش را کتابی مبارک دانسته (ص: ۲۹) که مردم را به استوارترین آیین‌ها هدایت می‌کند (اسراء: ۹)؛ کتابی که روشن‌گر حق در موارد اختلافی بوده (نحل: ۶۴) و رحمت، بشارت و هدایت برای مؤمنان است (ابراهیم: ۱/ نحل: ۶۴ و ۸۹/ سبأ: ۶/ جاثیه: ۲۰) و هرآنچه بشر در مسیر هدایت بدان نیاز دارد را بیان کرده است (نحل: ۸۹)؛ قرآن همچنین بشیر و نذیر (فصلت: ۴)، بهترین سخن (زمر: ۲۳)، شفا و رحمت برای مؤمنان و فزاینده خسران و زیان ستمگران (اسراء: ۸۲)، محفوظ از هرگونه باطل (فصلت: ۴۲) و اندازی برای همه جهانیان است (انعام: ۱۹/ ص: ۸۷)؛ برخی از انسان‌ها در برابر این کتاب آسمانی، به آن ایمان آورده‌اند (قصص: ۵۲) و برخی دیگر از راه حق و انصاف بیرون رفته و با وجود علم به درستی قرآن، به آن ایمان نمی‌آورند (آل عمران: ۷۰).

قرآن از سوی خداوند عزیز، حکیم، رحمان و رحیم فرستاده شده (زمر: ۱/ فصلت: ۲/ جاثیه: ۲/ احقاف: ۲)، معجزه پیامبر ﷺ است و دیگران توان آوردن کتابی همانند آن را ندارند (بقره: ۲۳-۲۴)؛ نه تنها شیاطین و جنیان آن را نازل نکرده، بلکه توان و اجازه این کار را هم ندارند (شعراء: ۲۱۰-۲۱۱) و چنانچه از کسی جز خدا بود، اختلاف بسیاری در آن یافت می‌شد (نساء: ۸۲)؛ برابر آموزه‌های قرآن، این کتاب آسمانی بر پیامبر ﷺ نازل شده (محمد: ۲) و حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران الهی است (احزاب: ۴۰)؛ جنیان نیز مخاطب قرآن بوده و گروهی از آنها به آن مؤمن اند (احقاف: ۲۹). تلاوت قرآن عامل افزایش ایمان مؤمنان است (انفال: ۲)؛ خداوند انسان‌ها را به تلاوت قرآن (مزل: ۴) و تدبیر در آن (ص: ۲۹/ محمد: ۲۴)، پند گرفتن از آن (قمر: ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰ و ۵۱) و پناهنده شدن به آن (ر.ک: آل عمران: ۱۱۲/ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۷۶) فراخوانده، منکران قرآن را ستمگر (عنکبوت: ۴۹)، کافر (سبا: ۳۱) و پیمان‌شکن (لقمان: ۳۲) می‌نامد و به عذاب شدید و دردناک بیم می‌دهد (آل عمران: ۱۱۲/ عنکبوت: ۲۳).

۲-۴. قرآن از نگاه معصومان علیهم‌السلام

روایات پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام به اهمیت قرآن، بایستگی بهره‌مندی جامعه ایمانی از این کتاب آسمانی، ظرفیت‌های آن، روش‌های تفسیر قرآن، دانش‌های قرآنی، تفسیری، فقه و احکام شرعی مرتبط با قرآن پرداخته‌اند. در برخی از احادیث، برتری قرآن بر سخنان دیگر به برتری خداوند بر آفریدگان همانند شده (دارمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۴۴۱/ ترمذی: ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۵۶) و درخشندگی نور قرآن و فروزانی پرتو آن به گونه‌ای توصیف شده که پیروانش مورد غبطه دیگران قرار می‌گیرند؛ همچنان‌که گوش فرادادن به کلام خدا مایه رستگاری، و پیروی از آن موجب رهنمون شدن به بهشت است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۹)؛ تاریکی‌ها جز با قرآن زدوده نمی‌شوند (نهج البلاغه: خطبه ۱۸، ج ۱، ص ۵۵) و جامعه ایمانی در هنگام رویارویی با فتنه‌ها باید به خدا روی آورند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲/ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۹۹).

در برخی از احادیث، ظرفیت بالای قرآن در پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای هدایتی و تربیتی مردم در امور گذشته یا آینده و نظم امور فعلی هر جامعه (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۸، ج ۲، ص ۵۴) و

کنار زدن تیرگی‌ها (ر.ک: نهج‌البلاغه: خطبه ۱۹۸، ج ۲، ص ۱۷۷) و نیز تأثیر آن در درمان بیماری‌ها (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۵۸، ج ۲، ص ۵۴، ۱۷۸ و ۱۹۸) مورد تأکید ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} بوده است؛ ازاین‌رو آنان همه مسلمانان را به فراگیری و آموختن همیشگی قرآن سفارش کرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۵۷) و اینکه مؤمنان باید قرآن را امام هدایت خویش قرار دهند (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۹)؛ ازاین‌رو امیرمؤمنان^{علیه‌السلام} به فرزند خویش امام حسن^{علیه‌السلام} تأکید می‌کند که مبدا در عمل به قرآن، دیگران بر او پیشی گیرند (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷، ج ۳، ص ۷۷).

در رهنمودهای اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} قرآن دارای لایه‌های هدایتی است که برای عموم مردم ازطریق عبارت، برای خواص و بندگان ویژه از راه اشاره، برای اولیای الهی ازطریق لطایف و برای انبیا و پیامبران از راه حقایق، مطالب مناسب هر گروه را ارائه می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵). رسول اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} ختم‌کنندگان قرآن را همچون طی‌کنندگان درجات نبوت دانسته‌اند؛ با این تفاوت که بر آنها وحی نمی‌شود (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶۰۴)؛ امیرمؤمنان^{علیه‌السلام} اثرگذاری‌های معنوی و روحی قرآن را با گزاره‌هایی چون بهار قلوب و شفای سینه‌ها (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۱۰، ج ۱، ص ۲۱۶) و انس هرچه‌بیشتر با قرآن را موجب فزونی دانش و فروکاستن نادانی‌ها و کژی‌ها معرفی کرده (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۷۶، ج ۲، ص ۹۱) و از مؤمنان می‌خواهد تا قرآن را راهبر روز و روشنی شب خود قرار دهند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۰۰)؛ امام صادق^{علیه‌السلام} آن را پیمان‌نامه خدا با مسلمانان شمرده و از مؤمنان می‌خواهد تا هر روز دست‌کم پنجاه آیه از آن را تلاوت کنند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۰۹). امام سجاد^{علیه‌السلام} نیز فرموده‌اند پس از آنکه قرآن با من است، اگر همه مردم میان مشرق و مغرب نیز بمیرند، هراسی ندارم (همان، ص ۶۰۲).

اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} به فضایل و شرافت حاملان، قاریان، حافظان و تلاوت‌کنندگان قرآن توجهی ویژه داشته و با بیان آن کوشیده‌اند تا فرهنگ انس با قرآن را در زندگی مؤمنان ماندگار سازند؛ چنان‌که امام صادق^{علیه‌السلام} اهل قرآن را دارای بالاترین جایگاه، برخوردار از حقوقی برتر در پیشگاه خداوند (همان، ص ۶۰۳) و در صف فرشتگان گرامی و نیک‌کردار دانسته‌اند (همان)؛ همچنین از نگاه اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، نور قرآن با جان قاری جوان و باایمان درآمیخته و او را از درافتادن به دوزخ باز می‌دارد (همان)؛ افزون بر آن، مؤمنان به آموختن قرآن تا هنگام مرگ (همان، ص ۶۰۷) و نیز

حفظ آن، هرچند همراه با سختی، سفارش شده‌اند و برای آن پاداشی دوچندان مژده داده شده است (همان، ص ۶۰۷). خانه‌هایی که در آن قرآن تلاوت می‌شود، برای ساکنان آسمان همچون اخترانی درخشان جلوه کرده و آنها را به یکدیگر نشان می‌دهند؛ این خانه‌ها بسیار بابرکت است و فرشتگان به آن راه یافته و اهریمنان از آن دور می‌شوند (همان، ص ۶۱۰).

۳-۴. قرآن از نگاه عالمان اسلامی

دانشوران مسلمان - چه شیعه و چه سنی - به بزرگی و والایی قرآن معترف بوده و هریک به فراخور خود گامی در شناساندن آن برداشته‌اند. بیشتر دانشمندان مسلمان در راستای تشریح آیات و روایات اسلامی به توصیف قرآن پرداخته‌اند، ولی در این بخش برای رعایت اختصار، تنها به رویکرد شخصیت‌های غیرمسلمان نسبت به قرآن بسنده می‌شود: از آغاز نزول، عظمت قرآن، شگفتی بسیاری از غیرمسلمانان را برانگیخت؛ چنان‌که در صدر اسلام و در میان ادیبان پرآوازه جزیره العرب، فصاحت و زیبایی آن، بسیاری را مجذوب خود کرد؛ از آن جمله ولید بن مغیره مخزومی - که به شیوایی سخن در میان اعراب پرآوازه بود و او را «ریحانه قریش» می‌خواندند - پس از اینکه چند آیه آغازین سوره «غافر» را از پیامبر ﷺ شنید، به خدا سوگند یاد کرد که از محمد سخنی شنیده که نه همچون گفتار انسان‌هاست و نه پریان! سخنی است که بر همه چیز پیروز می‌شود و چیزی بر آن چیرگی نخواهد یافت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۸۴)؛ همچنین ابوالعلا معری - که خود برای مبارزه با قرآن تلاش می‌کرد - اعتراف می‌کند که قرآن، خردها را در برابر خود مغلوب کرده و تاکنون کسی نتوانسته مانند آن را بیاورد. در نگاه او، ویژگی‌ها و کشش‌های این کتاب به اندازه‌ای است که اگر آیه‌ای از آن در میان واژگان دیگران بیاید، همچون ستاره‌ای فروزان در شب تاریک می‌درخشد (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۴۹).

بیش از شش صد سال پیش، قرآن و آموزه‌های آن به‌طور جدی به جهان غرب راه یافته و نخستین ترجمه کامل آن به زبان انگلیسی در سال ۱۶۴۹ میلادی از روی ترجمه فرانسوی آن منتشر گردید (ر.ک: مسجدجامعی، ۱۳۸۶، ص ۴۰)؛ همچنین خاورشناسان بسیاری درباره

عظمت و اهمیت قرآن سخن گفته‌اند. در سال‌های اخیر برخی از پژوهشگران، آرای اندیشمندان غیرمسلمان درباره قرآن را گردآوری کرده‌اند (ر.ک: علیقلی، ۱۳۷۵، ص ۱۱-۸۲/ مردانی، ۱۴۰۲، ص ۸-۱۴۴). با توجه به سخنان این دانشمندان می‌توان دریافت که آنان، بیشتر به محتوای قرآن که با ترجمه‌ها منتقل شده، توجه داشته‌اند، در حالی که زیبایی متن و فصاحت و بلاغت قرآن، با ترجمه، انتقال‌یافتنی نبوده است؛ باوجوداین، رویکردهای گوناگونی در توجه به محتوای قرآن و تمجید از آن وجود داشته است؛ توجه به محتوای اخلاقی، قوانین حقوقی، گزاره‌های ناظر به علوم طبیعی و برجستگی‌های ادبی قرآن، برخی از این رویکردهاست (ر.ک: مؤدب، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۷۰).

۴-۴. قرآن و عموم مسلمانان

شرط مسلمانی و لازمه باورمندی به نبوت پیامبر اکرم ﷺ، ایمان به قرآن کریم (بقره: ۲۸۵/ مؤمنون: ۵۸) به معنای اعتقاد به فرستاده شدن آن از سوی پروردگار، هدایتگری معارف آن و لزوم به‌کار بستن دستورهای آن است. هرچند خداوند به ایمان به همه پیامبران و کتاب‌های آسمانی پیشین نیز دستور می‌دهد (بقره: ۴/ نساء: ۱۳۶ و ۱۶۲)، ولی تفاوت ایمان به قرآن با ایمان به کتاب‌های آسمانی پیشین، این است که باور به نزول الهی کتاب‌های آسمانی پیشین کافی است، اما لازمه ایمان به حقانیت قرآن، به‌کارگیری دستورها و پرهیز از هر آنچه قرآن از آن باز می‌دارد، است (ابن‌ابی‌العز، ۱۳۹۱، ص ۳۵۰). فراگیری و آموزش قرائت و محتوای قرآن یکی از وظایف مؤمنان بوده و از آنجاکه در نمازهای واجب، دست‌کم باید یک سوره و شماری از آیات قرآن را به زبان عربی خواند، بر همه مسلمانان واجب است خواندن این اندازه قرآن را بیاموزند. دریافت پاداش از سوی کسانی که این مقدار را آموزش می‌دهند نیز ممنوع دانسته شده است (شهید اول، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۷۲-۱۷۳/ کرکی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۹-۱۰)؛ غیر از این مقدار، روایات فراوانی در منابع شیعه (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۰۶) و اهل سنت (ابن‌ابی‌شبه کوفی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۷۴) گزارش شده که گویای فضیلت آموزش و فراگیری قرآن است. از دستورهای صریح قرآن که در آیات بسیاری بر آن تأکید

شده، تدبر و تفکر در قرآن است (محمد: ۲۴/قمر: ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰ و ۵۱). انس و مراجعه پیاپی به قرآن، از دیگر وظایف مسلمانان است؛ دراین خصوص، نگهداری قرآن در خانه (صدوق، ۱۳۶۸، ص ۱۰۳)، نگاه به خطوط آن (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱۳)، گوش فرادادن به تلاوت (اعراف: ۲۰۴) و نیز تلاوت آن از مراحل آغازین انس با قرآن است؛ درباره فضیلت خواندن قرآن و احکام و آثار آن در قرآن و به‌ویژه روایات، نکات بسیاری وجود دارد. وظیفه دیگر مؤمنان در برابر قرآن، حفظ آن است که فضایل بسیاری برای آن در روایات بیان شده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ تأکید کرده‌اند خداوند قلبی را که جایگاه قرآن است، عذاب نخواهد کرد (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۷). پیامبر اکرم ﷺ تعداد درجات بهشت را برابر تعداد آیات قرآن می‌داند که در هنگام ورود حاملان قرآن به بهشت، در ازای هر آیه‌ای، درجه‌ای به آنان داده می‌شود و در بهشت، درجه‌ای برتر از درجه حافظان قرآن - که با عمل به قرآن، درخور ورود به بهشت شده‌اند - نیست (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۱۲-۵۴۱/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۲۲)؛ آن حضرت پس از پایان جنگ احد، دستور داد شهادتی را که حافظ قرآن بوده‌اند، پیش روی شهیدان دیگر قرار دهند (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۶۱۲)؛ برای گزینش فرمانده سپاه نیز حافظ قرآن را در اولویت قرار می‌داد (ابن‌خزیمه، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۵/متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۸۶-۲۸۷)؛ همچنین از امام صادق ﷺ، گزارش شده است که جایگاه حافظ قرآنی که عامل به احکام آن باشد، در کنار فرشتگان و فرستادگان گران‌قدر و خاص الهی خواهد بود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۰۳).

۵. رابطه قرآن با علوم اسلامی

علوم اسلامی، رابطه تنگاتنگی با قرآن دارند، حتی آنها که خاستگاه اولیه غیر اسلامی داشته باشند؛ زیرا علمای مسلمان، تمامی علوم تاسیسی و وارداتی را بر مدار قرآن [باز] تاسیس نموده‌اند. در ادامه شرح مختصری ارائه می‌شود:

۵-۱. خاستگاه و آبشخور علوم

قرآن مجید خاستگاه بسیاری از علوم اسلامی و آبشخوری برای برخی دیگر است که در ادامه به اهم آنها اشاره می‌شود:

علم کلام: قرآن در مسائل اعتقادی، تمرکز ویژه‌ای بر یکتاپرستی، ویژگی‌های خداوند و نفی شرک داشته و انسان‌ها را به ایمان و پرهیز از کفر، شرک و نفاق فرا می‌خواند (ر.ک: آل‌عمران: ۶۴/ نساء: ۱۴۵/ توبه: ۶۷/ رعد: ۱۳/ حج: ۶۶/ روم: ۳۰/ احقاف: ۵)؛ پس از توحید، بیشترین توجه قرآن به مرگ، رستاخیز، حسابرسی، بهشت و دوزخ (ر.ک: آل‌عمران: ۱۹۵/ نساء: ۱۴، ۵۶ و ۱۲۲/ مائده: ۱۲)، ضرورت پذیرش رسالت پیامبر اکرم ﷺ و دفاع از جایگاه او به مثابه امام و رهبر جامعه ایمانی (آل‌عمران: ۳۲ و ۱۳۲/ مائده: ۹۲/ انفال: ۲۰) و لزوم اطاعت از ائمه اطهار علیهم‌السلام (نساء: ۵۹/ مائده: ۵۵) است.

علم اخلاق: بخش چشمگیری از آیات قرآن در موضوع‌های اخلاقی شامل مناسبات انسان با خداوند، همچون اخلاص (اعراف: ۲۹/ غافر: ۱۴ و ۶۵)، تقوا (آل‌عمران: ۱۰۲/ نساء: ۱)، توکل (آل‌عمران: ۱۲۲ و ۱۶۰/ توبه: ۵۱)، ذکر (نساء: ۱۰۳/ مائده: ۷/ احزاب: ۴۱)، شکر (بقره: ۱۵۲/ نحل: ۱۱۴/ عنکبوت: ۱۷) و عبادت (بقره: ۲۱/ آل‌عمران: ۵۱/ مائده: ۱۱۷)؛ فضایل اخلاق فردی؛ مانند صبر (آل‌عمران: ۲۰۰/ هود: ۱۱۵)، عفت (نساء: ۶) و کرامت نفس (اسراء: ۷۰)؛ رذایل اخلاقی، همانند بخل (نساء: ۳۷/ محمد: ۳۸/ حدید: ۲۴)، دنیا دوستی (بقره: ۲۱۲)، عُجب (اسراء: ۳۷/ لقمان: ۱۸)، قساوت (انعام: ۴۳/ حدید: ۱۶)، شهوت‌رانی (آل‌عمران: ۱۴/ مریم: ۵۹) و هواپرستی (اعراف: ۱۷۶/ کهف: ۲۸/ فرقان: ۴۳)؛ فضایل اخلاق اجتماعی، همچون عدالت (نساء: ۵۸/ مائده: ۸) و احسان (یونس: ۲۶/ زمر: ۱۰)، و نیز رذایل اخلاقی در رفتار با دیگر انسان‌ها؛ مانند خیانت (انفال: ۲۷) و ظلم (شوری: ۴۲) است.

علم فقه: بخشی از آیه‌های قرآن به مسائل فقهی پرداخته‌اند؛ (ر.ک: فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵)؛ این آیات، احکام فراوانی را در ابواب پرشمار فقهی دربرمی‌گیرد: فقه عبادی (مانند: نساء: ۴۳/ مائده: ۶/ بقره: ۱۸۳ و ۱۸۷/ بقره: ۱۵۸، ۱۹۶ و ۱۹۷/ آل‌عمران: ۹۷)؛ فقه معاملات (مانند: مائده: ۱/ بقره: ۱۸۸/ بقره: ۲۷۵) فقه سیاسی (مانند: نساء: ۹۵/ انفال: ۴۱/ حجرات: ۹) فقه حقوقی؛

مانند (مانند: بقره: ۱۷۸) فقه کیفری (مانند: نور: ۲ و ۴/ نساء: ۹۲) و...

علم تاریخ: بخشی دیگر از آیات قرآن بیانگر مسائل تاریخی است؛ مانند رویدادهای تاریخی معاصر نزول، همچون تغییر قبله (بقره: ۱۴۴) و جنگ‌های بدر (آل عمران: ۱۲۳)، اُحد (آل عمران: ۱۲۱)، احزاب (احزاب: ۲۲) و حُنین (توبه: ۲۵)، و جریان مباحله پیامبر اکرم ﷺ (آل عمران: ۶۱)، قصص انبیا، همچون قصه حضرت یوسف ﷺ (ر.ک: یوسف: ۳ و ۱۰۱) و حکایت‌های تاریخی دیگر؛ مانند حکایت اصحاب کهف (ر.ک: کهف: ۹ و ۲۲) و درباره ابلیس (بقره: ۳۴/ اسراء: ۶۱/ کهف: ۵۰) و شیاطین (آل عمران: ۱۷۵/ نساء: ۳۸ و ۱۱۹/ مائده: ۹۱) و جن (ر.ک: جن: ۱ و ۲۸).

علوم طبیعی: قرآن برای رهایی انسان از شقاوت جاودانه و رساندن او به سعادت ابدی نازل شده است؛ از این رو هدف آن، تبیین علوم طبیعی و شرح رازهای آفرینش نیست، اما به تناسب مباحث و اهداف خود، پاره‌ای از اسرار جهان طبیعت در زمینه نجوم و کیهان‌شناسی، پزشکی، فیزیک و دانش‌های طبیعی دیگر را تبیین کرده است (ر.ک: عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۴۷۳).

۵-۲. راهبری و کنترل علوم اسلامی

قرآن، تنها منبعی است که در اصل حجیت آن در میان همه مسلمانان، به‌رغم گرایش‌های گوناگون اعتقادی، فقهی و سیاسی، اتفاق نظر وجود دارد؛ هرچند در فهم و تفسیر محتوای آیات، اختلاف نظرهایی هست؛ اختلاف آرای که خاستگاه آن را باید در اختلاف مبانی و قواعد فهم قرآن جستجو نمود (ر.ک: بابایی، ۱۴۰۰، ص ۱۱). اکثر قریب به اتفاق مسلمانان، ظواهر قرآن را حجت می‌دانند؛ هرچند برخی از این ظواهر، نیازمند تفسیر است؛ همچنان‌که معانی عمیق‌تری برای ظواهر قرآن نیز وجود دارد (ر.ک: کلاتری، ۱۴۰۰، ص ۶۱). قرآن معارف بسیاری را به بشر ارزانی داشت که خرد آدمی توان راهیابی به آن را نداشت؛ برای نمونه درباره «معاد»، بیشترین توان عقل بشر، اثبات معاد روحانی و تبیین امکان معاد جسمانی است؛ حال‌آنکه قرآن با قاطعیت از تحقق معاد جسمانی

خبر می‌دهد. در علم اصول که در آن از اعتبار دیگر منابع احکام و معارف اسلامی و محدوده آن گفتگو می‌شود، تصریح شده که اعتبار دیگر منابع نقلی به قرآن بازمی‌گردد و حجیت و اعتبار حکم عقل، ذاتی است (مظفر، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۵۴).

با استناد به آیات فراوان قرآن، پیروی از سنت پیامبر اکرم ﷺ (آل عمران: ۳۲ / مائده: ۹۲ / جن: ۲۳) و اهل بیت ﷺ (نساء: ۵۹) واجب بوده و بر پایه آیات قرآن (نحل: ۴۴ / جمعه: ۲) و روایات پرشمار، از جمله حدیث ثقلین، تبیین مجملات قرآن (تقیید، تخصیص، بیان اصطلاحات و تبیین معارف و احکام قرآن)، نیازمند سنت پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ است (نصیری، ۱۴۰۰، ص ۳۶۲)؛ به‌رغم این، قرآن معیاری برای تشخیص درستی یا نادرست‌سنت و روایت منسوب به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ است؛ چنان‌که در منابع شیعی، تأکید شده هر حدیثی که مخالف قرآن باشد، مردود خواهد بود (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۹).

۵-۳. پیدایش علوم خاص با موضوع قرآن

قرآن مجید نه تنها مایه پیدایش و توسعه و راهبری علوم مختلف اسلامی بود، بلکه منشأ علمی شد که موضوع آن قرآن بود، بدان معنا که آن علوم بدون قرآن معنا و هویتی پیدا نمی‌کنند. توجه به قرآن و اهمیت لفظ و محتوای آن در میان مسلمانان، به شکل‌گیری دانش‌های گوناگونی انجامیده است؛ همچون: تاریخ قرآن، نظم و اعجاز قرآن، قرائات، رسم المصنف و ضبط المصحف، تجوید، تفسیر و ترجمه و توابع آن چون: مبانی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، غریب‌القرآن و مواردی از این دست.

۶. قرآن و دیگر اندیشه‌ها

قرآن مجید علاوه بر آنکه در منظومه علوم اسلامی محوریت دارد، ارتباطی نیز با دیگر کتب آسمانی و اندیشه‌ها داشته است. این ارتباط گاه ازسوی قرآن و گاه ازسوی طرف مقابل بوده است. در ادامه به برخی از این ارتباطات اشاره می‌شود.

۶-۱. قرآن و کتاب‌های آسمانی دیگر

سه بار نام زبور (کتاب حضرت داوود^{علیه السلام}) (نساء: ۱۶۳ / اسراء: ۵۵ / انبیاء: ۱۰۵). قرآن، از «صحف اولی» به صحف حضرت ابراهیم و حضرت موسی^{علیه السلام} یاد کرده است (اعلی: ۱۸-۱۹ / نجم: ۳۶-۳۷)؛ همچنین در قرآن هجده بار نام تورات (آل عمران: ۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵ و ۹۳ / مائده: ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۶۶، ۶۸ و ۱۱۰ / اعراف: ۱۵۷ / توبه: ۱۱۱ / فتح: ۲۹ / صف: ۶ / جمعه: ۵) و دوازده بار نام انجیل (آل عمران: ۳، ۴۸ و ۶۵ / مائده: ۴۶، ۴۷، ۶۶، ۶۸ و ۱۱۰ / اعراف: ۱۵۷ / توبه: ۱۱۱ / فتح: ۲۹ / حدید: ۲۷) ذکر شده و این غیر از مواردی است که به تلویح به آنها اشاره می‌کند.

آیات بسیاری، قرآن را تصدیق‌کننده کتاب‌های آسمانی پیشین به‌ویژه تورات و انجیل دانسته‌اند (بقره: ۸۹ و ۹۷ / آل عمران: ۳ و ۵۰ / مائده: ۴۸ / انعام: ۹۲ / احقاف: ۱۲)؛ همچنین قرآن به «مهمین» (مائده: ۴۸)، به معنای حافظ و نگه‌دارنده کتاب‌های پیشین یا کتابی حاکم بر آنان توصیف شده است (طبری، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۱۴)؛ افزون‌براین قرآن به اصل کتاب‌های مقدس احترام گذارده، آموزه‌های راستین آنها را می‌ستاید و از آنها به نور و هدایتی ازسوی خداوند تعبیر می‌کند (مائده: ۴۴ و ۴۶)؛ البته قرآن بارها اهل کتاب را به‌خاطر تحریف سخنان خداوند نکوهش کرده (نساء: ۴۶ / مائده: ۱۳ و ۴۱) و باورهای نادرست آنها را به چالش کشیده است (ر.ک. مائده: ۱ / توبه: ۳۰)؛ این تأییدها و انتقادهای بی‌انگیز گونه‌هایی از حکومت و داوری (مائده: ۴۸) قرآن بر کتاب‌های پیشین است. چنان‌که قرآن می‌گوید پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} تصدیق‌کننده پیامبران پیشین است (صافات: ۳۷)؛ همچنان‌که مؤمن واقعی کسی است که نه تنها به قرآن و رسالت پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} ایمان بیاورد، بلکه باید به همه پیامبران الهی^{علیهم السلام} و کتاب‌های آسمانی آنها نیز ایمان داشته باشد (بقره: ۱۳۶ و ۲۸۵)؛ قرآن این کتب مقدس را آسمانی نامیده و آنها را همچون قرآن، فرستاده خداوند می‌خواند (آل عمران: ۲-۳ / مائده: ۴۴ و ۴۶).

۶-۲. قرآن در نگاه غیرمسلمانان

گوته (Goethe) (م. ۱۸۳۲م)، شاعر و نویسنده نامدار آلمانی بر این باور است که غربی‌ها هر اندازه که در راه دانش گام نهاده و پرده‌های تعصب را دریده‌اند، عظمت احکام مقدس

قرآن، به بهت و حیرتی شگفت در آنها انجامیده است (ر.ک: مردانی، ۱۴۰۲، ص ۴۹)؛ از نگاه ناپلئون بناپارت (Napoleon Bonaparte) (م. ۱۸۲۱م) قرآن به‌تنهایی عهده‌دار سعادت بشر بوده و می‌تواند انسان را رستگار کند (ر.ک: صداقت، [بی‌تا]، ص ۴۶-۴۷)؛ ارنست رنان (Ernest Renan) (م. ۱۸۹۲م) فیلسوف فرانسوی که چند رساله درباره کارکردهای زبان‌شناسی قرآن نگاشته، بر این باور است که با مطالعه قرآن، درهایی از معانی و کمال به روی انسان گشوده می‌شود (ر.ک: علیقلی، ۱۳۷۵، ص ۵۷)؛ به باور لئو تولستوی (Leo Tolstoy) (م. ۱۹۱۰م) هرکس که بخواهد سادگی و بی‌پیرایگی اسلام را دریابد، باید قرآن مجید را بررسی کند؛ در نگاه وی، آیات قرآن به‌خوبی بر مقام والای اسلام و پاکی روح آورنده‌اش گواهی می‌دهد (ر.ک: صداقت، [بی‌تا]، ص ۱۶)؛ آلبرت اینشتین (Albert Einstein) (م. ۱۹۵۵م) معتقد است قرآن به‌زودی محور افکار مردم جهان می‌شود؛ وی قرآن را نه کتاب جبر یا هندسه، بلکه مجموعه‌ای از قوانین می‌داند که بشر را به راه درست رهنمون می‌شود؛ راهی که بزرگ‌ترین فیلسوفان و دانشمندان دنیا از تعریف و تبیین آن ناتوان‌اند (ر.ک: امین، ۱۳۴۷، ص ۵۳-۵۴)؛ ویل دورانت (Will Durant) (م. ۱۹۸۱م) مدعی است قرآن در جان‌های ساده، عقایدی آسان و دور از تشریفات ناروا و ابهام پدید می‌آورد (ر.ک: صداقت، [بی‌تا]، ص ۳۴-۳۵)؛ هانری کربن (Henry Corbin) (م. ۱۹۷۸م) اسلام‌شناس نامدار فرانسوی، تصریح می‌کند که هیچ اندیشه‌ای به اندازه قرآن، بشر را به دانش فراخوانده است و اگر قرآن کتابی خرافی و ازسوی کسی جز خداوند بود، هرگز جرئت نمی‌کرد بشر را به دانش، خردورزی و اندیشه فراخواند (همان، ص ۱۴-۱۵). آربری (Arberry) (م. ۱۹۶۹م) مترجم قرآن به زبان انگلیسی، قرآن را یک شاهکار ادبی می‌داند؛ ترکیب منحصربه‌فرد (x) و به تعبیر پیکتال (Pickthall) (م. ۱۹۳۶م) «سمفونی تقلیدناپذیر» که آوایش، آدم‌ها را به خلسه می‌برد و اشکشان را سرازیر می‌کند.

۳-۶. مخالفت‌ها با قرآن

از آغاز نزول قرآن، مخالفت با قرآن و پیامبر اکرم ﷺ در ابعاد گوناگون آغاز شد؛ مخالفان که نمی‌توانستند ایرادی در قرآن بیابند، گاه قرآن را سحر (انعام: ۷/ نمل: ۱۳) و دروغ (احقاف:

۱۱) نامیده و گاه آورنده قرآن را شاعر (صافات: ۳۶)، مجنون (حجر: ۶/ شعراء: ۲۷)، ساحر (یونس: ۲)، کاهن (حاقه: ۴۲) و دروغگو (فرقان: ۴/ سبأ: ۴۳) خواندند؛ خداوند چنین نسبت‌هایی را از پیامبر ﷺ و قرآن نفی کرده (انبیاء: ۳/ یس: ۶۹/ طور: ۲۹/ حاقه: ۴۲/ تکویر: ۲۲) و به پیامبر ﷺ و همه مخاطبان قرآن تأکید می‌کند که این‌گونه نسبت‌ها و مسخره‌کردن انبیا همواره در طول تاریخ ازسوی مخالفان مطرح بوده است (انعام: ۱۰/ ذاریات: ۵۹).

یهودیان به پیامبر ﷺ می‌گفتند چون جبرئیل که دشمن آنان است، آیات را بر وی نازل کرده به او ایمان نمی‌آورند! (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۴). یکی از تهمت‌های دشمنان پیامبر ﷺ، آن بود که قرآن سخن بشر است (مدثر: ۲۵) و پیامبر انسانی همچون دیگران بوده و دارای انگیزه‌های برتری‌جویانه است و اگر خدا می‌خواست، فرشتگان را مبعوث و مأمور هدایت می‌کرد (مؤمنون: ۲۴).

خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد به‌صراحت بگوید که او انسانی است همانند دیگران، اما با انسان‌های دیگر - در اینکه به او وحی می‌شود - متفاوت است (کهف: ۱۱۰/ فصلت: ۶)؛ هرچند این تصریح قرآن، که «پیامبران، انسانی همانند دیگران هستند»، همواره بهانه مخالفان انبیای الهی در طول تاریخ بوده تا از پذیرش دعوت آنان سر باز زنند (ر.ک: اسراء: ۹۴/ شعراء: ۱۸۶/ یس: ۱۵/ تغابن: ۶)؛ به تصریح قرآن، پیامبر ﷺ پیش از بعثت، کتابی نخوانده و چیزی نوشته بود؛ چراکه در این صورت کج‌اندیشان در حقانیت قرآن تشکیک کرده (عنکبوت: ۴۸) و آن را برگرفته از کتاب‌های پیشینیان می‌دانستند؛ (اعراف: ۱۵۷-۱۵۸)؛ برخی، سخنان پیامبر ﷺ را «أساطیرُ الْأَوَّلینَ» (افسانه‌های پیشینیان) می‌خواندند (انعام: ۲۵/ انفال: ۳۱/ فرقان: ۵/ نمل: ۶۸/ قلم: ۱۵)، ولی خداوند قرآن را کتابی برحق می‌داند (بقره: ۱۷۶/ آل‌عمران: ۳/ نساء: ۱۰۵/ مائده: ۴۸) که کمترین تردیدی در آن نیست (بقره: ۲/ یونس: ۳۷/ سجده: ۲).

مخالفان، همچنین به پیامبر اکرم ﷺ تهمت زدند که قرآن را از فردی دیگر آموخته است؛ (طوسی، [بی‌تا]، ج ۶ ص ۴۲۷/ سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۳۱) قرآن در پاسخ، زبان آن افراد را اعجمی (غیرعربی یا عربی غیرفصحیح) می‌داند، درحالی‌که زبان قرآن، عربی فصیح است (نحل: ۱۰۳). افزون بر آنچه گفته شد، ادعای اقتباس قرآن از کتاب‌های آسمانی پیشین، همواره

در طول تاریخ مطرح بوده است (ر.ک: دره حداد، ۱۹۸، ص ۱۹-۷۴۵)؛ چنان‌که در نوشته‌های خاورشناسان در چند سده اخیر، این ادعا گسترده‌تر از پیش مطرح شده است. این ادعا با شواهد فراوان، از جمله اُمّی بودن پیامبر ﷺ، ارتباط نداشتن او با اهل کتاب و تفاوت فراوان محتوای قرآن با کتاب‌های مقدس به چالش کشیده شده است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۴، ص ۶-۵۶۰)؛ پاره‌ای از مخالفت‌های جدی با قرآن و رویارویی با تحدی آن، از سوی خاورشناسان صورت گرفته است؛ در این میان ارائه سوره‌ای در معارضه با تحدی قرآن و نگارش کتاب‌هایی با عنوان خلاصه‌ای علیه قرآن از کشیش ریموند مارتینی (Raymond Martini) و جدال علیه مسلمانان و قرآن، از ریکولدو دامونته کروسه (Riccoldo da monte Croce)، نمونه‌هایی از جمله این مخالفت‌ها هستند؛ بدنمایی چهره اسلام و ارائه تصویری ناتمام و مغرضانه از متون مقدس اسلامی در آثار شرق شناسان فراوان است (پارت، [بی‌تا]، ص ۹-۱۰/ر.ک: کریمی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۳۵-۳۶)؛ به گونه‌ای که برخی از خاورشناسان متأخر را به اعتراف و عذرخواهی واداشته است (نمله، ۱۴۱۸، ص ۱۲۶-۱۲۷)؛ چنان‌که سازدن (Southern)، نقدهای ضد اسلام را در آن دوران، به دور از روح آزادمنشی، علمی، آکادمیک و اصول و آداب انسانی دانسته است.

نتیجه

نتایج پژوهش نشان می‌دهد قرآن مجید از نگاه اسلامی، کتابی آسمانی، الهی، تغییر نایافته، و مانند ناپذیر است؛ این کتاب، مورد تقدیس و احترام همه مسلمانان در تمامی سطوح نبی، ائمه، دانشمندان و عموم مردم بوده و سرمنشأ و آبخور همه علوم اسلامی است. همچنین راهبر اصلی مردم در امر شریعت به‌شمار می‌رود. قرآن با دیگر کتب آسمانی، همسنگ و ولی برتر از آنها می‌باشد و مورد احترام بسیاری از غیر مسلمانان قرار گرفته است. گرچه این کتاب از سوی برخی غیر مسلمانان با نقدهایی مواجه بوده، اما اندیشمندان اسلامی، این نقدها را وارد نمی‌دانند. نتیجه آنکه قرآن مجید، در کانون نظام معرفتی و دانشی مسلمانان حضور داشته و این نظام بدون قرآن حقیقت خویش را از دست می‌دهد.

منابع

۱. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق علی عطیه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی العز، علی بن علی؛ شرح العقیده الطحاویه؛ بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۳۹۱ق.
۳. ابن ابی شیبہ کوفی، عبداللہ بن محمد؛ المصنف فی الأحادیث والآثار؛ تحقیق سعید لحام؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن خزیمہ، محمد بن اسحاق؛ صحیح ابن خزیمہ؛ تحقیق محمد مصطفی اعظمی؛ بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقائیس اللغة؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. امین، احمد؛ راه تکامل؛ ترجمه احمد بهشتی و دیگران؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۴۷.
۷. بابایی، علی اکبر؛ «امکان فهم قرآن»، دانشنامه علوم قرآن؛ زیر نظر علی اکبر رشاد؛ ۱۴۰۰، ص ۱۷۱-۲۰۰.
۸. پارت، رودی؛ الدراسات الإسلامیه والعربیہ فی الجامعات الآلمانیہ؛ ترجمه مصطفی ماهر؛ قاهره: دارالکتب العربی، [بی تا].
۹. حمیری ابن هشام، عبدالملک؛ السیره النبویه؛ تحقیق محمد عبدالحمید؛ قاهره: مکتبه محمد علی صبیح واولاده، ۱۳۸۳ق.
۱۰. خمینی، سید روح اللہ؛ أنوار الهدایة فی التعلیقہ علی الکفایہ؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
۱۱. دره حداد، یوسف؛ القرآن دعوه نصرانیہ؛ بیروت: المکتبه البولسیه، ۱۹۸۶م.
۱۲. رضی، شریف؛ نهج البلاغه؛ تحقیق و شرح محمد عبده؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۴. زركشی، محمد بن عبداللہ؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دار احیاء الكتب العربیه، ۱۳۷۶ق.

۱۵. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل؛ تحقیق محمد عبدالسلام شاهین؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۱۶. سیوطی، جلال‌الدین؛ الإتقان فی علوم القرآن؛ تحقیق سعید مندوب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. صداقت، سیدعلی اکبر؛ قرآن و دیگران؛ قم: نشر روح، [بی‌تا].
۱۹. صدوق، محمد بن علی؛ الاعتقادات فی دین الإمامیه؛ تحقیق عصام عبدالسید؛ بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۲۰. صدوق، محمد بن علی؛ الأمالی؛ قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.
۲۱. صدوق، محمد بن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ تحقیق سید محمد مهدی موسوی خراسان؛ قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۸.
۲۲. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین؛ قرآن در اسلام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج؛ تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسان؛ مشهد: نشر المرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع؛ تحقیق ابوالقاسم گرجی؛ تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۷. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن؛ الأمالی؛ تحقیق مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی‌تا].
۳۰. طوسی، محمد بن حسن؛ العدة فی أصول الفقه؛ تحقیق محمدرضا انصاری قمی؛ قم: چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷ق.
۳۱. عباس‌نژاد، محسن و دیگران؛ قرآن و علوم طبیعی؛ مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.

۳۲. علیقلی، مهدی؛ قرآن از دیدگاه یکصد و چهارده دانشمند جهان؛ قم: انتشارات سینا، ۱۳۷۵.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر؛ تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی؛ تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۳۴. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۵. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۳۶. کرکی، علی بن حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم: مؤسسه آل البيت ﷺ؛ لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ ق.
۳۷. کریمی نیا، مرتضی؛ «درآمدی بر مباحث زیبایی شناسی در مطالعات قرآن پژوهشی غریبان با تأکید بر کتاب «خداوند زیباست»»، ترجمان وحی (دوفصلنامه)؛ ش ۲۰، پاییز ۱۳۸۵، ص ۵۷-۶۶.
۳۸. کلاتری، ابراهیم؛ «ظاهر و باطن قرآن»، دانشنامه علوم قرآن؛ زیر نظر علی اکبر رشاد؛ ۱۴۰۰، ص ۱۷۱-۲۰۲.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۴۰. متقی هندی، علی؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال؛ تحقیق بکری حیانی و صفوه السقا؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۴۱. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ تحقیق محمد باقر بهبودی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. مدیر شانه چی، کاظم؛ «قرآن های چاپی»، فصلنامه مشکوة؛ ش ۲، پاییز ۱۳۶۲، ص ۴۳-۷۶.
۴۳. مردانی، خیر الله؛ اعترافات دانشمندان بزرگ جهان؛ قم: انتشارات آیین جعفری، ۱۴۰۲ ق.
۴۴. مستفید، حمید رضا و کریم دولتی؛ تقسیمات قرآنی و سور مکی و مدنی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
۴۵. مسجد جامع، احمد؛ کتاب شناسی جهانی قرآن کریم؛ تحقیق مؤسسه اطلاع رسانی

- اسلامی مرجع؛ تهران: مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع، ۱۳۸۶.
۴۶. مظفر، محمدرضا؛ أصول الفقه؛ قم: نشر اسلامی، [بی‌تا].
۴۷. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴۸. معرفت، محمدهادی؛ تاریخ قرآن؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۴۹. معرفت، محمدهادی؛ شبهات وردود حول القرآن الکریم؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۴ق.
۵۰. معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآنی؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۱.
۵۱. مفید، محمدبن محمد؛ اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات؛ تحقیق ابراهیم انصاری زنجانی؛ بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۵۲. مفید، محمدبن محمد؛ تصحیح اعتقادات الإمامیه؛ تحقیق حسین درگاهی؛ بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۵۳. مکی عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی؛ الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۵۴. مؤدب، سیدرضا و مجید دانشگر؛ «قرآن از نگاه دانشمندان غربی»، قرآن پژوهی خاورشناسان (دوفصلنامه)؛ ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۰-۱۳۹.
۵۵. نصیری، علی؛ «قرآن و سنت»، دانشنامه علوم قرآن؛ زیر نظر علی اکبر رشاد؛ ج ۲، ۱۴۰۰، ص ۳۴-۳۷.
۵۶. نمله، علی بن ابراهیم حمد؛ الإستشراق والدراسات الإسلامیه؛ ریاض: مكتبة التوبه، ۱۴۱۸ق.

57. Arberry, Arthur J., "The Koran Interpreted", New York: Oxford University Press, 1998;
58. Bobzin, Hartmut, "Translation of the Quran", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
59. Deroche, Francois, "Manuscripts of the Quran", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
60. Jones, Alan, "Orality and Writing in Arabia", Encyclopedia of the

- Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
61. Kadi, Wadad and Mustansir Mir, "Literary Structures of the Quran", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
62. Neuwirth, Angelika, "Form and Structures of the Quran", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
63. Ibid, "Verse(s)", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006;
64. Pickthall, Muhammad M., "The Meaning of the Glorious Qur'an: Text and Explanatory Translation, 1999.